

بررسی تطبیقی نکاح اتباع خارجه در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

معصومه عربی نوده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

معصومه عربی نوده

چکیده

امروزه شرایط و آثار حاکم بر احوال شخصیه اتباع خارجه به ویژه، نکاح یا علقه ی زوجیت در اکثر کشورها مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است و در مورد اتباع خارجه نیز، قوانینی در چهارچوب حقوق بین الملل خصوصی یا قوانین مدنی و قوانین خاص مورد تقنین و توجه قانونگذاران بوده است. برای مثال در خصوص موانع نکاح، در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه، شرایط خاصی وجود دارد که این شرایط از کشوری به کشور دیگر متفاوت می باشد. موانع نکاح، موقعیت هایی است، که در آن موقعیت ها ازدواج ممنوع است؛ که برخی از این موانع مطلقند یعنی موانعی که با وجود آن ها ازدواج با هر کسی ممنوع است و برخی دیگر از موانع نسبی بوده که ازدواج را بین اشخاص معینی ممنوع می کند. تقسیم بندی دیگری نیز برای موانع ازدواج در حقوق فرانسه وجود دارد: ۱- موانع نهی کننده ۲- موانعی که مانع از به رسمیت شناختن ازدواج می باشد. که این موانع اثر کامل تری از موانع نهی کننده دارد، چرا که موانع نهی کننده مانع از صحت ازدواج نمی باشد، درحالی که موانع دسته ی دوم منجر به بطلان ازدواج می گردد و بطلان ازدواج را حتی پس از ثبت آن به دنبال خواهد داشت. با این وجود حقوق قدیم فرانسه، موانع متعددی را برای ازدواج مطرح می کرد، موانعی که منبعث از اعتقادات مذهبی و اخلاقی بود، در حالی که امروزه بر اساس شرایط موجود، تعدادی از این موانع حذف گردیده اند. در حقوق انگلیس نیز اگر کسی مبادرت به انعقاد عقد نکاح با یک فرد می نمود که ازدواج با او قانوناً ممنوع بود، در این صورت، عقد نکاح از آغاز باطل بود، اما چون این عمل با اعتقاد به صحت چنین ازدواجی صورت گرفته بود، فرزندان متولد از چنین نکاحی علی رغم بطلان آن، مشروع تلقی گردیده و از مزایای یک فرزند مشروع برخوردار می شدند

واژگان کلیدی: نکاح- حقوق- احوال شخصیه- طلاق- ازدواج.

مقدمه

انحلال عقد ازدواج علاوه بر صدمات و لطمات روحی و روانی، باعث ایجاد مسائل و مشکلات مالی مختلفی بین زن و شوهر خواهد شد. انحلال عقد اصولاً سبب از بین رفتن تمامی روابط ناشی از آن می شود، لیکن در مورد عقد نکاح روابط مالی زوجین در مواردی حتی پس از انحلال نیز ادامه پیدا می کند. هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان با تصویب قوانین مختلفی سعی در احقاق حق و حل مشکلات مطرح در این زمینه دارند. مهمترین مسائل مالی پس از انحلال نکاح در سیستم حقوقی ایران، جهیزیه، نفقه، مهریه، شرط تنصیف اموال، نحله، اجرت المثل و ارث می باشد. متأسفانه نهادهای حمایتی مالی در حقوق ایران تنها به عامل طلاق از عوامل انحلال ازدواج اکتفا کرده است که متأسفانه شروط و قیود فراوانی برای امکان اجرای آن توسط قانون گذار پیش بینی شده است و به نظر می رسد مانع و سدی برای رسیدن به حق می باشد. اما در نظام حقوقی انگلستان، برای هر یک از زن و شوهر سهمی برابر در اموال و دارایی های حاصله در طول زندگی مشترک قرار داده است. بنابراین در صورت انحلال ازدواج اموال به نسبت مساوی بین آن ها تقسیم خواهد شد، حتی اگر زن مباشرتی در ایجاد درآمد نداشته و به حرفه ی خانه داری مشغول باشد. در انگلستان، انحلال عقد ازدواج یک سری آثار مشترک بر روابط مالی زوجین می گذارد که شامل، چگونگی تقسیم وسایل و اثاث منزل، حساب های بانکی، منزلی که زوجین در آن سکونت داشتند و حق انفاق خواهد بود. در قانون انگلستان بین اموال اختصاصی و اموال مشترک تفاوت و تمایز قائل شده اند و قانون گذار به تعریف و بیان کامل هر یک از این اموال پرداخته است.^۱ با این حال در حقوق فرانسه نیز، اولین اختلاف بین ازدواج در ایران و در فرانسه آنکه اولی هنوز جنبه ی مذهبی خود را حفظ کرده و قواعد مربوطه ی به نکاح بر حسب مذهب تغییر می کند و حال اینکه در دومی تفکیک بین قانون ازدواج و مذهب کامل و کلیه ی فرانسویان از هر کیش که باشند مطیع قانون مدنی خواهند بود. اختلاف دیگر مربوط به طبیعت نکاح است. مطابق قانون مدنی ایران، ازدواج عقدی است که جنبه خصوصی در آن غلبه دارد ولی در حقوق فرانسه ازدواج رابطه ای است حقوقی که بیشتر حائز جنبه عمومی می باشد. با این وجود در این مقاله ما با شرایط و آثار نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس آشنا خواهیم شد و تمامی شرایط و آثار حاکم بر آن را بر اتباع مختلف بررسی خواهیم نمود. هر چن تا حد امکان نیز از اطاله ی کلام پرهیز خواهد شد.

۱- مفهوم شناسی نکاح و تابعیت

۱-۱- مفهوم نکاح

جمعی از واژه شناسان معتقدند لغت نکاح در اصل به معنای «وطی و جماع» است^۲ اما به معنای عقد نکاح مجازاً به کار رفته است.^۳ برخی دیگر می نویسند: نکاح در اصل به معنای عقد است و بطور مجازی در معنای جماع به کار می رود، زیرا کلماتی که به مفهوم جماع دلالت دارند، کنایی هستند^۴ بعضی نیز معنای «بُضع» را در ردیف معنای واژه نکاح ذکر کرده اند.^۵ بعضی نیز احتمال داده اند این واژه مشترک میان دو معنای وطی و عقد باشد.^۶ همین احتمالات در منابع فقهی نیز می باشد.^۷ لذا این نظر که لغویون اجماع دارند موضوع له حقیقی نکاح وطی است و استعمال آن در عقد نکاح مجازی است؛ صحیح نمی باشد.^۸

تعریفی از نکاح در قانون مدنی ایران به عمل نیامده و نیز در اکثر مطالعات فقهی تعریفی از آن نشده است. در حین حال در زبان فارسی به ازای نکاح همان عقد ازدواج و یا وضعیت حاصل از آن عقد را نوشته اند. برخی از فقهای عامه عقد نکاح را به اینگونه تعریف کرده اند: «نکاح، عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با یکدیگر متحد می شوند.» تعریف معروف و کلاسیک در حقوق انگلیس از ازدواج آمده چنین است: «وحدت ارادی یک زن و یک مرد برای زندگی...». در قوانین برخی کشورهای اسلامی در تعریف نکاح به هر دو جنبه استمتاع جنسی و تشکیل زندگی مشترک اشاره شده است، مثلاً ماده یک قانون احوال شخصیه سوریه مصوب سال ۱۹۵۳ می گوید: «ازدواج عقدی است بین زن و مرد که زن را شرعاً بر مرد حلال می کند و هدف آن ایجاد ارتباط

^۱ نوری، فاطمه، ۱۳۸۳، روابط مالی زوجین پس از انحلال نکاح در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ص ۱.

^۲ طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۷، «مجمع البحرین»، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، ص ۳۶۹.

^۳ جوهری، ابی نصر اسماعیل بن حماد، ۱۴۲۰ق، «الصحاح»، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۴۰۳.

^۴ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، «مفردات فی غریب القرآن»، دفتر نشر کتاب، ص ۵۰۵.

^۵ ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، «لسان العرب»، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۶۲۶.

^۶ طریحی، فخرالدین، پیشین، ص ۳۶۹.

^۷ انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، «کتاب النکاح»، قم، مؤسسه باقری، ص ۲۵.

^۸ مدرسی یزدی، سید عباس، ۱۴۱۰ق، «نموذج فی الفقه الجعفری»، قم، مکتبه الداوری، ص ۵۳۵.

برای زندگی مشترک و تولید نسل است.^۱ اما، سوای از این تعاریف، می‌توان به تعریفی که برخی از اساتید گفته‌اند و مناسب‌ترین تعریف می‌باشد استناد جست که چنین است: «نکاح، رابطه‌ای حقوقی است که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند.»^۲

۲-۱- مفهوم تابعیت

تابعیت عبارت است از عضویت فرد، حقیقی یا حقوقی، در جمعیت تشکیل دهنده دولت، که بیان‌گر رابطه حقوقی، سیاسی و معنوی فرد تابع با دولتی معین می‌باشد و ثمره آن بهره‌مندی وی از حقوقی است که به موجب قوانین کشور متبوع برای شهروندان آن وجود دارد.^۳ تابعیت در لغت به معنای پیرو و فرمان‌بردار بودن است و تابع (جمع: تبعه، اتباع) کسی است که عضو جمعیت اصلی یک دولت باشد و به کسی که عضو این جمعیت نباشد، اگر چه مقیم سرزمین آن دولت باشد، بیگانه یا غیرخودی می‌گویند.^۴

۲- نکاح اتباع خارجه در حقوق ایران

ازدواج‌های شرعی مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و هجوم مهاجرین کشورهای همسایه به ایران موجب بروز مشکلات زیادی شده که دامن گیر هموطنان ما شده است. ممکن است ازدواج شرعی که بین دو تبعه ایرانی صورت پذیرفته مشکلی نداشته باشد و به راحتی در مراجع رسمی با حکم دادگاه قابل ثبت و به رسمیت شناخته شده باشد، اما ازدواج بین اتباع ایران با اتباع بیگانه بدون هماهنگی مراجع رسمی مشکلات فراوان را به همراه دارد و چون آثار ازدواج بعنوان یک عقد اجتماعی دامن گیر جامعه می‌شود و آثار اجتماعی آن محدود به طرفین عقد نمی‌شود بلکه سرنوشت فرزندان نیز بر این ازدواج وابسته است. بنابراین طرفین نمی‌توانند آزادانه آثار آنرا معین کنند، نتایج و آثار آن را به طور امری از طرف قانونگذار معین می‌شود و مجموع مقررات آن «موقعیت قانونی» خاصی دارد. بنابراین با توجه به اهداف سیاسی دولت و ضرورت کنترل بر اتباع و مصلحت بانوان ایجاب می‌کند که دولت نسبت به اینگونه ازدواج‌ها نظارت داشته باشد به همین دلیل در عمل رویه دادگاه‌ها بر این بوده، با عنایت به اینکه شورای نگهبان ماده یک قانون ازدواج را غیرشرعی اعلام کرده ولی در خصوص ماده ۱۷ قانون ازدواج مبنی بر تحصیل اجازه سکوت نموده و دادگاه‌ها در عمل آن را معتبر تلقی کرده و اعمال می‌نمودند. تا اینکه برای رعایت و حفظ مصلحت بانوان ایران شورای عالی قضایی طی بخشنامه ای اعلام کرد که اعتبار ماده ۱۷ قانون ازدواج به قوت خود باقی است در این بخشنامه تأکید شده است که دفاتر ثبت ازدواج باید از ثبت اینگونه ازدواج‌ها خودداری کنند و بیگانه ای که بدون پروانه زناشویی مبادرت به ازدواج با بانوی ایرانی نماید به مجازات مصرحه در ماده مذکور محکوم خواهد شد.^۵

ثبت ازدواج به عنوان یکی از وقایع ۴ گانه هر انسانی (ولادت، مرگ، ازدواج، طلاق) در ایران الزامی است و جنبه آمره دارد و افراد در تنظیم درخواست و ثبت آن مخیر نمی‌باشند و مطابق ماده ۹۹۳ قانون مدنی یکی از مواردی که باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقررات به دایره سجل احوال اطلاع داده شود ازدواج است اعم از دائم و منقطع.^۶ هدف از این الزام سهولت اثبات زوجیت و حمایت از حقوق کودکان است. ثبت ازدواج در دفاتر اسناد رسمی از بسیاری گفتگوهای ناهنجار درباره انکار زوجیت و نسب می‌کاهد و به استواری و بنیان خانواده کمک می‌کند. به همین جهت، دارندگان دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مکلف شده که این وقایع را در شناسنامه زوجین نیز درج و مهر و امضاء کنند.^۷

لازم به ذکر است اثبات عقد تنها از این راه ممکن نیست و از همه دلایل اثبات دعوی (اقرار، سند، شهادت، اماره، سوگند) نیز می‌توان استفاده کرد. در بند اول ماده ۳۲ قانون ثبت احوال آمده است: ارائه اقرارنامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت برای ثبت آن در اسناد سجلی طرفین کافی است. این حکم به خوبی نشان می‌دهد که ثبت ازدواج، نه تنها در زمره شرایط صحت آن نیست، یگانه دلیل اثبات هم بشمار می‌رود. همانطوری که پیش از این ذکر شد، ازدواجی که بدون پروانه زناشویی بین یک زن ایرانی و یک مرد تبعه بیگانه واقع گردد، از آنجا که دفاتر رسمی ازدواج، بدون پروانه مذکور از ثبت آن خودداری می‌نمایند، بنابراین لزوماً صورت عادی به خود می‌گیرد

^۱. به نقل از سایت <http://www.iranprisons.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

^۲. جوزیه، ابن قیم، ۱۹۸۳م، احکام اهل الذمه، بیروت چاپ صبحی صالح.

^۳. ابن هشام، ۱۴۱۲، السیره النبویه، بیروت، چاپ سهیل زکار.

^۴. به نقل از سایت full-thesis.net در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۲

^۵. ماده ۹۳۳ قانون مدنی: امور ذیل باید در ظرف مدت و به طریقی که به موجب قوانین یا نظامات مخصوصه مقررات به دایره سجل احوال اطلاع داده شود. ۱- ولادت هر طفل و همچنین سقط هر جنین که بعد از ماه ششم از تاریخ حمل واقع شود. ۲- ازدواج، اعم از دائم و منقطع ۳- طلاق اعم از بائن و رجعی و همچنین بذل مدت ۴- وفات هر شخص

^۶. ماده ۳۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵

و تنها پس از کسب پروانه ازدواج است که این ازدواج قابلیت ثبت را در دفاتر ازدواج را پیدا می کند در این صورت اگر چنانچه زوجین به وقوع این ازدواج مقرر باشد مشکلی از جهت ثبت این ازدواج ایجاد نمی گردد مشکل، زمانی به وجود می آید که یکی از زوجین، وقوع این ازدواج را منکر گردد یا آنکه یکی از آنها فوت شده باشد یا غایب شده باشد و دیگری بخواهد برای فرزندی که از این ازدواج بوجود آمده اند شناسنامه بگیرد یا در اموالی که از ترکه همسر متوفایش به جا مانده است تصرف نماید. در این موارد نخست نیاز است که ذینفع با تقدیم دادخواست اثبات زوجیت به دادگاه محل وقوع ازدواج و رابطه زوجیت را به اثبات برساند و پس از ختم رسیدگی قضایی و تحصیل حکم، با ارائه رونوشت دادنامه صادره به وزارت کشور (هم اکنون اداره امور اتباع خارجه) پروانه زناشویی را تحصیل نموده و با در دست داشتن پروانه مذکور در نهایت موفق به ثبت آن در دفتر ازدواج می گردد. مقررات مشترکی که در ثبت واقعه ازدواج زن یا مردی که تبعه کشور بیگانه است بدون توجه به جنسیت آنها اعمال می شود بند ۱۸۱ بخشنامه های ثبتی است که مقرر می دارد: در مواردیکه یکی از زوجین تبعه بیگانه است، بایستی علاوه بر گذرنامه، پروانه اقامت معتبر از شهرداری در دست داشته باشند و مهر اقامت سه ماهه یا بیشتر در گذرنامه این قبیل اشخاص زده می شود، نمی تواند پروانه اقامت برای ازدواج محسوب گردد.^۱

۳- نکاح اتباع خارجه در حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان قوانین زیادی در رابطه با روابط خانوادگی به تصویب رسیده است و کمتر از رویه قضایی استفاده می شود؛ بنابراین می توان گفت امروزه منبع اصلی حقوق خانواده، مقررات موضوعه است و از آنجا که در روابط زوجین، حقوق و وظایف اقتصادی مطرح می گردد باید این روابط بطور دقیق مشخص شود و نمی توان آنها را به رویه قضایی واگذار نمود. در حقوق انگلستان دو نوع رابطه زوجیت وجود دارد: یکی زوجینی که ازدواج کرده اند و زندگی مشترک آنها ناشی از انعقاد عقد نکاح است و دیگری زوجینی که بدون انعقاد عقد نکاح اما به صورت مشترک با یکدیگر زندگی می نمایند. کامن لا وظیفه حمایت از زن را بر عهده شوهر نهاده و در حیطه عمل به این وظیفه، قوانینی در جهت صدور و اجرای دستورات مالی توسط دادگاهها به تصویب رسیده است. البته مقررات فوق تا زمانی کاربرد دارند که زوجین توافقی خلاف آن ننموده باشند. از جمله مقرراتی که در رابطه با نفقه به تصویب رسیده است می توان به موارد ذیل اشاره کرد: قانون صدور دستورات پرداخت نفقه و طریقه اجرای آن مصوب ۱۹۲۰، قانون دستورات نفقه مصوب ۱۹۵۸ و ۱۹۷۲. قانون اسباب و علل زناشویی مصوب ۱۹۷۳. قانون دادگاههای خاص و دعاوی خانوادگی مصوب ۱۹۷۸، قانون قضاوت و صلاحیت مدنی ۱۹۸۲ و قانون اجرای دستورات نفقه ۱۹۹۱.^۲ تفاوت های بسیاری در سازمان خانواده در جامعه انگلیسی وجود دارد؛ اما تعدادی ویژگی های کلی نیز وجود دارد که در مورد اکثر جمعیت قابل تطبیق است:

۱- خانواده ی انگلیسی تک همسر است، و تک همسری در قانون رسمیت یافته است. اما با در نظر گرفتن میزان زیاد طلاق که اکنون در انگلستان وجود دارد، برخی محققان اظهار کرده اند که الگوی ازدواج انگلیسی را باید تک همسری پی در پی نامید. یعنی افراد مجازند تعدادی همسر به طور پی در پی داشته باشند، اگر چه هیچ کس نمی تواند در یک زمان بیش از یک زن یا شوهر داشته باشد. با وجود این عدم تشخیص تک همسری قانونی از رفتار واقعی جنسی، گمراه کننده است. بدیهی است که نسبت زیادی از انگلیسی ها با افرادی غیر از همسرانشان روابط جنسی دارند.

۲- ازدواج انگلیسی بر پایه ی اندیشه ی عشق رمانتیک نهاده شده است. فردگرایی عاطفی به صورت مهمترین عامل مؤثر در ازدواج در آمده است. انتظار می رود روابط زناشویی بر اساس علاقه ی متقابل و جذابیت شخصی و سازگاری بین زن و مرد برقرار گردد. امروزه در انگلستان عشق رمانتیک به عنوان جزئی از ازدواج، به صورت امری طبیعی درآمده است و به نظر می رسد که بیشتر یک جزء طبیعی هستی انسان است تا یک ویژگی مشخص فرهنگ امروزی. بدیهی است میان واقعیت و آرمانخواهی فاصله است. تأکید بر ارضا شخصی در ازدواج انتظاراتی را مطرح کرده است که گاهی نمی توانند برآورده شوند، و این یکی از عواملی است که در افزایش میزان طلاق دخالت دارد.

۳- خانواده ی انگلیسی از نوع پدر تباری و نو بومی است. وراثت پدر تباری مستلزم آن است که فرزندان نام خانوادگی پدر را اختیار کنند و دارایی معمولاً از طریق مرد انتقال پیدا می کند. (بسیاری از جوامع در جهان مادرتبار هستند؛ نامهای خانوادگی، و غالباً دارایی، از طریق زن انتقال می یابند). الگوی اقامت نوبومی متضمن آن است که زوجهای متأهل به مسکنی دور از خانواده ی پدریشان انتقال یابند. اما نوبوم گرایی یک ویژگی مطلقاً ثابت خانواده ی انگلیسی نیست. بسیاری خانواده ها، به ویژه در محلات طبقه ی پایین، مادر بومی هستند، زوجهای تازه ازدواج کرده در ناحیه ای نزدیک به محل زندگی پدر و مادر عروس اقامت می کنند.

^۱. آذریپور، حمید، حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۲، مجموعه بخشنامه ثبتی، تهران، گنج دانش، ص ۷۳.

^۲. اسدی، لیلا، ۱۳۸۷، بررسی نفقه زوجه و اقارب در حقوق انگلستان، تهران، مجله ی ندای صادق، ش ۲۴، ص ۱.

۴- خانواده ی انگلیسی هسته ای است، شامل یکی از والدین یا هر دو که در خانه ای با فرزندانشان زندگی می کنند. اما واحدهای خانواده ی هسته ای به هیچ وجه از سایر پیوندهای خویشاوندی مجزا نیستند.^۱ در میان انواع گوناگون خانواده در انگلستان، یک الگو مشخصاً با اکثر انواع دیگر متفاوت است؛ الگویی که در ارتباط با گروههای آسیای جنوبی است. جمعیت آسیای جنوبی بریتانیا بیش از یک میلیون نفر است. مهاجرت آنها در دهه ی ۱۹۵۰ از سه ناحیه ی اصلی شبه قاره هند آغاز گردید: پنجاب، گجرات و بنگال. در بریتانیا، این مهاجران اجتماعی بر پایه ی مذهب، خاستگاه، کاست و مهمتر از همه، خویشاوندی تشکیل دادند. بسیاری از مهاجران دریافتند عقایدی که آنان درباره ی شرافت و وفاداری خانوادگی دارند تقریباً به هیچ وجه در میان جمعیت بومی بریتانیا وجود ندارد. آنها می کوشیدند وحدت خانواده را حفظ کنند، اما مشکل مسکن وجود داشت. خانه های بزرگ قدیمی در نواحی رو به ویرانی قرار داشتند؛ انتقال به نواحی بالاتر معمولاً به معنای انتقال به خانه های کوچکتر و تجزیه خانواده ی گسترده بود. کودکان آسیای جنوبی که در بریتانیا متولد می شوند در معرض دو فرهنگ بسیار متفاوت قرار دارند. در خانه، پدر و مادرها همنوایی با هنجارهای همکاری، احترام و وفاداری خانوادگی را از آنها انتظار داشته یا طلب می کنند. در مدرسه از آنها انتظار می رود که موفقیت تحصیلی را در محیط اجتماعی سبقت جوین و فردگرایانه ای دنبال کنند. بیشتر این کودکان خواهان سازماندهی زندگی داخلی و شخصی خود برحسب خرده فرهنگ قومی اند زیرا به روابط نزدیک مرتبط با زندگی خانوادگی سنتی ارج می نهند. با وجود این قرار گرفتن در معرض فرهنگ انگلیس دگرگونیهای پدید آورده است. جوانان دختر و پسر اکنون خواستار اظهارنظر بیشتری در ترتیب دادن ازدواجشان هستند.^۲

۴- نکاح اتباع خارجه در حقوق فرانسه

حسب آنچه که از قانون مدنی ایران استنباط می شود، ازدواج رابطه ای است غیر ثابت. عقدی است که بیشتر منافع شوهر در آن ملحوظ میگردد. ولی در حقوق فرانسه نکاح عقد محکم و دائمی است که بیشتر بنفع اولاد توجه دارد. این است وضعیت حقوقی ولی در عمل اختلاف فوق الذکر چندان قابل ملاحظه نیست. چه حقوق ایران چه حقوق فرانسه تحت تأثیر عوامل متضاد رو به تکامل رفته و روز بروز اختلاف فی مابین کمتر میشود؛ در ایران مقنن سعی میکند که نکاح وضعیت نسبتاً ثابتی بخود گرفته و حافظ منافع اولاد باشد در صورتی که علاقه ی محاکم فرانسه به استحکام روابط بین زوجین رو به نقصان می رود. بنابراین می توان گفت که حقوق ایران و حقوق فرانسه در حالی که برای تکامل تدریجی خود دو مسیر مختلف طی می کنند، در نظر دارند عملاً وضعیت تازه برقرار کنند که بیشتر با احتیاجات فعلی این دو ملت متناسب باشد. این اختلاف در سیر تکاملی باوجود وحدت مقصد نتیجه ی اختلافی است که در ابتدای امر بین قانون ازدواج در ایران و در فرانسه وجود داشته است: در فرانسه قانونی که پایه اولیه ی نظامات مربوطه به ازدواج را تشکیل داده ناشی از حقوق مسیحی است که معتقد به جنبه ی مقدس ازدواج می باشد. در این مذهب «نکاح یکی است و دائمی است». یعنی از یک طرف نکاح واقع میشود بین یک مرد و یک زن. بنابراین تعدد زن یا شوهر باطل است و از طرف دیگر نکاح رابطه ای است دائمی و غیر قابل فسخ. ولی در ایران قوانین مربوطه به ازدواج ماخوذ از حقوق اسلامی میباشد و شارع مقدس اسلام معتقد است که «ازدواج نه یکی است و نه همیشگی» طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی بوده و با وقوع این امر، آثار حقوقی متعددی نیز بر احوال شخصیه او مترتب می شود و در اثر ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، تابعیت ایرانی زن به قوت خود باقی خواهد ماند، مگر آنکه مطابق قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت این کشور به واسطه وقوع عقد به زن تحمیل شود. با وجود این، متعاقب فوت شوهر یا جدایی با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه، به انضمام برگ تصدیق فوت شوهر یا سند جدایی و متارکه، تابعیت نخستین (ایرانی) زن با کلیه حقوق و امتیازات مربوطه، مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.^۳

نکته ای که باید در نظر داشت این است که هر کس باید مطیع قانون دولت متبوع خود باشد فقط در قسمتی که قانون مزبور راجع به ماهیت طلاق است^۴

و نه در قسمتی از قوانین مربوطه به طلاق که راجع به ماهیت نمی باشد مثل آیین دادرسی که باید برای گرفتن طلاق رعایت گردد. بنابراین زن فرانسوی در محکمه ایران علیه شوهر خود که تبعه فرانسه است اقامه دعوی طلاق نماید محکمه باید از حیث اینکه آیا مورد از موارد امکان طلاق است یا نه به قانون فرانسه مراجعه کند ولی اصول و ترتیب رسیدگی به دعوا تابع قانون فرانسه نخواهد بود.^۵

^۱. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۶، جامعه شناسی، تهران، نشر نی، ص ۲

^۲. همان

^۳. به نقل از سایت <http://www.razmilawyer.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

^۴. عامری، جواد، ۱۳۵۱، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، سایه، ص ۱۸۲

^۵. همان.

نتیجه گیری

حقوق بین الملل خصوصی، یکی از شاخه های خود را به احوال شخصیه اختصاص داده است که واقعه ی نکاح یا فسخ آن، یکی از شاخصه های آن می باشد که در پژوهش حاضر در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه پرداخته شد. ماده ۹۶۱ قانون مدنی ایران که برگرفته از قانون مدنی فرانسه است حق تمتع اتباع بیگانه از حقوق مدنی را برای آنان به رسمیت شناخته و جز در موارد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده یا صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است مثل بخشی از حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را نپذیرفته مثل حق طلاق، تعدد زوجات و در مورد حقوق خاصه ای که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد مانند حق قیمومت بر محجور ایرانی یا حق نفقه، در سایر موارد اتباع بیگانه از حقوق مدنی و خصوصی برخوردارند. بعضی از حقوق مزبور توسط معاهدات سیاسی و بعضی توسط قانون به طور مطلق یا در حدود معاهدات یا با شرط معامله متقابل برای آنها پیش بینی شده است. با این وجود احوال شخصیه اتباع خارجه می تواند به اشکال مختلفی تقسیم گردد که یکی از این موارد را می توان نکاح یا ازدواج اتباع خارجه عنوان نمود که شرایط و احکام آن در ایران، انگلیس و فرانسه متفاوت می باشد. همانطور که در این مقاله اشاره گردید، در خصوص واقعه ی ازدواج یا نکاح، می بایست به قوانین ایران، فرانسه و انگلستان در موارد مختلف رجوع نمود. چرا که در این زمینه، قوانین هر کشوری در موضوع احوال شخصیه متفاوت می باشد.

منابع و مراجع

- [۱] آذرپور، ح، حجتی اشرفی، غ.ر، مجموعه بخشنامه ثبتی، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۲.
- [۲] ابن هشام، ا، ۱۴۱۲، السيرة النبوية، چاپ سهیل زکار، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- [۳] ابن منظور، ا، «لسان العرب»، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۵ق.
- [۴] اسدی، ل، بررسی نفقه زوجه و اقارب در حقوق انگلستان، مجله ی ندای صادق، تهران، ش ۲۴، ۱۳۸۷.
- [۵] انصاری، م، «کتاب النکاح»، مؤسسه باقری، قم، ۱۴۱۵ق.
- [۶] جوزیه، ا، احکام اهل الذمّة، چاپ صبحی صالح، بیروت، ۱۹۸۳م.
- [۷] جوهری، ا، «الصحاح»، دار الکتب الاسلامیة، بیروت، ج ۱، ۱۴۲۰ق.
- [۸] راغب اصفهانی، ح، «مفردات فی غریب القرآن»، دفتر نشر کتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
- [۹] طریحی، ف، «مجمع البحرین»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، قم، ۱۳۶۷.
- [۱۰] عامری، ج، حقوق بین الملل خصوصی، سایه، تهران، ۱۳۱۵.
- [۱۱] گیدنز، آ، جامعه شناسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۶.
- [۱۲] مدرسی یزدی، س.ع، «نموذج فی الفقه الجعفری»، مکتبة الداوری، قم، ۱۴۱۰ق.
- [۱۳] نوری، ف، روابط مالی زوجین پس از انحلال نکاح در حقوق ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳.
- [۱۴] به نقل از سایت <http://www.iranprisons.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰
- [۱۵] به نقل از سایت full-thesis.net در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۲
- [۱۶] به نقل از سایت <http://www.razmilawyer.ir> در مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۲۰